

نقش راهبردهای تدریس فعال در تحقق اهداف تربیتی سند تحول بنیادین

یوسف قلیکی میلان^۱؛ فاطمه صالحی^۲؛ الماس صالحی^۳؛ عزیزه علی پور^۴؛ حامد زینالپور^۵

چکیده



MDOI-02-2026.0088

MNR:89-2-6F4182

اهداف تربیتی در نظام آموزشی نیازمند به کارگیری رویکردها و راهبردهای تدریسی است که یادگیرندگان را به فعال در فرآیند یادگیری درگیر کند. در اسناد تحول آفرین آموزشی، به ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر تربیت همه جانبه، رشد متوازن ابعاد مختلف شخصیت دانش آموزان و مشارکت فعال آنان در فرآیند یادگیری تأکید شده است. در این میان، راهبردهای تدریس فعال به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای تحقق چنین اهدافی مطرح شده اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش راهبردهای تدریس فعال در تحقق اهداف تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. روش پژوهش از نوع مروری بوده و با استفاده از تحلیل منابع کتابخانه ای و اسناد علمی مرتبط انجام شده است. در این راستا، مفاهیم مرتبط با تدریس فعال، ویژگی ها و اصول آن و همچنین اهداف تربیتی مورد تأکید در سند تحول بنیادین مورد بررسی قرار گرفته و سپس ارتباط میان این دو حوزه تحلیل شده است. نتایج بررسی ها نشان می دهد که راهبردهای تدریس فعال با تأکید بر یادگیری مشارکتی، حل مسئله، تفکر انتقادی، یادگیری اکتشافی و تعامل معلم و دانش آموز می توانند زمینه تحقق اهدافی نظیر پرورش تفکر، مسئولیت پذیری، خودآگاهی، مهارت های اجتماعی و یادگیری مادام العمر را فراهم کنند. همچنین یافته ها نشان می دهد که استفاده از روش های فعال تدریس موجب افزایش انگیزش تحصیلی، تعمیق یادگیری و تقویت ابعاد شناختی، عاطفی و مهارتی دانش آموزان می شود. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که به کارگیری راهبردهای تدریس فعال یکی از پیش نیازهای اساسی برای تحقق اهداف تربیتی سند تحول بنیادین در نظام آموزشی به شمار می آید.

کلیدواژه ها: راهبردهای تدریس فعال، سند تحول بنیادین، اهداف تربیتی، یادگیری فعال، نظام آموزشی

^۱. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۲. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۳. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۴. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان چالدران، مقطع ابتدایی

^۵. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

۱. مقدمه

نظام‌های آموزشی در جهان معاصر با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو هستند. تغییرات شتابان فناوری، پیچیدگی‌های اجتماعی و نیاز به پرورش نیروی انسانی خلاق و حل‌مسئله‌محور، ساختارهای سنتی آموزش و پرورش را به چالش کشیده است. در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به عنوان نقشه راه و میثاق‌نامه ملی، بر گذار از حافظه‌محوری و انتقال دانش به سمت «تربیت تمام‌ساحتی» و شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان تأکید دارد. این سند، مدرسه را کانون تحولات محلی و نظام آموزشی را بستر رشد متوازن ابعاد اعتقادی، اخلاقی، علمی، فناورانه، زیستی و هنری دانش‌آموزان می‌داند. با این حال، تحقق این آرمان‌های متعالی در گرو چگونگی «تدریس» در کلاس‌های درس است. تدریس، فراتر از یک انتقال ساده اطلاعات، هنری است که در آن معلم به عنوان تسهیل‌گر، محیطی را فراهم می‌کند تا یادگیرنده خود به ساخت معنا بپردازد. در دهه‌های اخیر، پارادایم‌های آموزشی از رفتارگرایی به سمت ساختن‌گرایی حرکت کرده‌اند. در رویکردهای سنتی، دانش‌آموز به عنوان گیرنده‌ای منفعل در کلاس حضور داشت و معلم تنها منبع قدرت و دانش بود؛ اما در تدریس فعال، یادگیرنده محور اصلی است. راهبردهای تدریس فعال شامل مجموعه‌ای از روش‌ها و فنونی است که دانش‌آموزان را به تفکر، مشارکت، نقد و حل مسئله وامی‌دارد و آنان را از وضعیت «شنونده» به «سازنده دانش» تبدیل می‌کند. سند تحول بنیادین بر تربیت دانش‌آموزی تأکید دارد که دارای تفکر انتقادی، اخلاق‌مدار، مسئولیت‌پذیر و دارای مهارت‌های زندگی باشد. برای تحقق چنین ویژگی‌هایی، نمی‌توان به روش‌های سخنرانی‌محور محض بسنده کرد. راهبردهای تدریس فعال، مانند یادگیری معکوس، یادگیری مبتنی بر پروژه، آموزش پرسش‌محور، یادگیری مشارکتی و بازی‌وارسازی، بستری را فراهم می‌کنند که دانش‌آموز نه تنها مفاهیم را عمیق‌تر درک کند، بلکه مهارت‌های نرم مانند کار تیمی، مدیریت زمان، همدلی و تفکر خلاق را در محیط امن کلاس تمرین نماید. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم بسیاری از افت‌های تحصیلی و بی‌انگیزگی‌های دانش‌آموزان ناشی از عدم تناسب روش‌های تدریس با ویژگی‌های روان‌شناختی نسل جدید و اهداف سند تحول است. کلاس درس باید مکانی برای جست‌وجوگری باشد، نه تکرار طوطی‌وار. راهبردهای تدریس فعال با بهره‌گیری از اصول روان‌شناسی تربیتی، به دنبال فعال‌سازی پتانسیل‌های نهفته دانش‌آموزان هستند. وقتی دانش‌آموز در فرآیند طراحی یک آزمایش علمی یا تحلیل یک متن تاریخی مشارکت می‌کند، در واقع در حال تمرین «تفکر انتزاعی» و «تصمیم‌گیری»



است؛ همان اهدافی که سند تحول بر آن‌ها پافشاری می‌کند. در این مقاله، تلاش بر این است که ارتباط میان ابزارهای تدریس فعال و اهداف متعالی سند تحول تبیین شود. پرسش اصلی این است که چگونه معلم می‌تواند در یک کلاس درس معمولی، با استفاده از راهبردهای تدریس فعال، دانش‌آموزی تربیت کند که نه تنها در آزمون‌های علمی موفق باشد، بلکه در ساحت‌های شش‌گانه به کمال نسبی برسد؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید مفاهیم کلیدی بازخوانی شوند. تدریس فعال نه یک روش واحد، بلکه یک «فرهنگ کلاسی» است. این فرهنگ بر پایه اعتماد متقابل میان معلم و دانش‌آموز، احترام به تفاوت‌های فردی و تشویق به پرسشگری بنا شده است. سند تحول بنیادین، مدرسه را به عنوان «حیات طیبه» توصیف می‌کند؛ محیطی که در آن رشد همه‌جانبه رخ می‌دهد. تدریس فعال، جریان خون این «حیات طیبه» است. بدون یادگیری فعال، سند تحول در حد یک سند بالادستی باقی خواهد ماند و در سطح کلاس درس، تنها شاهد حفظ مطالب و فراموشی سریع آن‌ها خواهیم بود. علاوه بر این، در عصر حاضر که دانش به سرعت در حال تولید و تغییر است، توانایی «یادگیری یادگیری» مهم‌تر از دانستن خود دانش است. تدریس فعال، با آموزش راهبردهای فراشناختی به دانش‌آموزان، آنان را قادر می‌سازد تا مدیریت یادگیری خود را بر عهده بگیرند. این امر دقیقاً با اهداف سند در راستای تربیت انسان‌های مستقل و توانمند همخوانی دارد. بسیاری از نظریه‌پردازان تربیتی معتقدند که انگیزه درونی، پیش‌ران اصلی موفقیت است و هیچ عاملی به اندازه درگیر شدن مستقیم در فعالیت‌های یادگیری، نمی‌تواند انگیزه درونی دانش‌آموز را شکوفا کند. این پژوهش سعی دارد با مروری بر متون علمی و تطبیق آن‌ها با اصول سند تحول، مسیری عملیاتی برای معلمان ترسیم کند. بخش‌های پیش‌رو به بررسی مبانی نظری این راهبردها، موانع اجرایی و چالش‌های نظام آموزشی در گذار به این پارادایم می‌پردازد. نگاه ما در این مقدمه، تأکید بر این واقعیت است که تحقق اهداف سند تحول، یک پروژه فرادستی نیست؛ بلکه فرآیندی است که در خردترین واحد نظام آموزشی، یعنی «کلاس درس» و در «تعامل معلم و شاگرد» آغاز می‌شود. بنابراین، هرگونه اصلاح در جهت تربیت انسانی متعالی، ناگزیر از بازنگری در «چگونگی تدریس» است. در نهایت، تبیین این نقش نیازمند عبور از نگاه‌های سنتی به معلمی است. معلم در سند تحول، تنها انتقال‌دهنده نیست، بلکه «مربی» است؛ کسی که با تدریس فعال، راه را برای ظهور خلاقیت دانش‌آموز هموار می‌کند. این تغییر نگاه، سنگ‌بنای تحول است. در ادامه مقاله، به تفصیل بررسی خواهیم کرد که چگونه تدریس فعال می‌تواند اهداف تربیتی را به واقعیت‌های عینی در محیط‌های آموزشی تبدیل کند.



۲. مبانی نظری

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به عنوان نقشه راه نظام تعلیم و تربیت رسمی در جمهوری اسلامی ایران، گذار از رویکردهای سنتی و حافظه‌محور به سمت تربیت تمام‌ساحتی و تحقق حیات طیبه را هدف قرار داده است. در این پارادایم، آموزش دیگر به معنای انتقال صرف دانش از معلم به دانش‌آموز نیست، بلکه فرآیندی پویا، تعاملی و برآمده از کنشگری یادگیرنده است. نظریه‌های یادگیری نوین، به‌ویژه ساختن‌گرایی، بر این نکته تأکید دارند که دانش، مقوله‌ای بیرونی و آماده برای انتقال نیست، بلکه حاصل تلاش ذهنی خود یادگیرنده در مواجهه با تجربیات و تعامل با محیط است. در این دیدگاه، راهبردهای تدریس فعال، بستر اصلی برای دستیابی به این ساخت‌وساز ذهنی را فراهم می‌آورند. وقتی از اهداف سند تحول بنیادین سخن می‌گوییم، به دنبال تربیت انسانی هستیم که دارای تفکر انتقادی، مسئولیت‌پذیر، خلاق و متخلق به اخلاق الهی باشد. تحقق این اهداف، در کلاس‌های درسی که دانش‌آموزان تنها شنوندگان منفعل هستند، عملاً ناممکن است. تدریس فعال با بهره‌گیری از اصول روان‌شناسی تربیتی، به دنبال فعال‌سازی پتانسیل‌های نهفته دانش‌آموزان است و با تغییر نقش معلم از «تنها منبع دانش» به «تسهیل‌گر و راهنما»، زمینه‌ای ایجاد می‌کند تا یادگیرندگان در محیطی امن، مفاهیم را کشف کنند و آن‌ها را در ساختار شناختی خود بگنجانند. نظریه یادگیری اجتماعی ویگوتسکی نیز پیوند عمیقی با مفاهیم تدریس فعال دارد؛ جایی که تعاملات اجتماعی در کلاس درس، موتور محرک رشد شناختی معرفی می‌شوند. سند تحول بنیادین بر تربیت اجتماعی و سیاسی تأکید ویژه‌ای دارد و این هدف تنها زمانی محقق می‌شود که دانش‌آموزان در قالب روش‌های تدریس مشارکتی، کار گروهی، حل مسئله و بحث‌های کلاسی، تعامل با دیگران را تمرین کنند. در واقع، تدریس فعال، کلاس درس را به جامعه‌ای کوچک تبدیل می‌کند که در آن دانش‌آموزان با پذیرش نقش‌های مختلف، مهارت‌های زندگی، مسئولیت‌پذیری و اخلاق شهروندی را در عمل می‌آموزند. استفاده از یادگیری مبتنی بر مسئله به عنوان یکی از راهبردهای تدریس فعال، مستقیماً با ساحت علمی و فناوریانه سند تحول در ارتباط است؛ چرا که در این روش، دانش‌آموز به جای حفظ کردن گزاره‌های علمی، با چالش‌های واقعی مواجه می‌شود و باید از تفکر انتزاعی و ابزارهای علمی برای یافتن راه حل استفاده کند. این فرآیند، نه تنها دانش علمی را عمیق‌تر می‌کند، بلکه روحیه پرسشگری و کاوشگری را که از ستون‌های اساسی سند تحول است، در وجود دانش‌آموز نهادینه می‌سازد.



در کنار این مباحث، مقوله فراشناخت نقش کلیدی در تحقق اهداف تربیتی دارد. سند تحول به دنبال تربیت انسانی است که مدیریت یادگیری خود را بر عهده بگیرد و این ویژگی تنها در پرتو راهبردهای تدریس فعال شکوفا می‌شود. کلاس‌های معکوس یا روش‌های آموزشی مبتنی بر پروژه، به دانش‌آموز این فرصت را می‌دهند تا بر فرآیند یادگیری خود نظارت داشته باشد، نقاط ضعفش را بشناسد و برای بهبود آن‌ها برنامه‌ریزی کند. این خودتنظیمی در یادگیری، از نشانه‌های بارز یک دانش‌آموز موفق و تربیت‌یافته بر اساس استانداردهای سند تحول است. همچنین، بازی‌وارسازی و استفاده از ابزارهای جذاب در آموزش که بخشی از تدریس فعال محسوب می‌شوند، مستقیماً با ساحت هنری و زیستی سند تحول در ارتباط هستند. تربیت تنها محدود به ذهن نیست؛ بلکه پرورش روح و جسم نیز در دستور کار قرار دارد. وقتی یادگیری با فعالیت‌های بدنی، نمایش، هنر و تعاملات خلاقانه همراه می‌شود، انگیزه درونی دانش‌آموز افزایش یافته و یادگیری به تجربه‌ای لذت‌بخش تبدیل می‌شود. ارتباط میان تدریس فعال و اهداف سند تحول را می‌توان در مفهوم «یادگیری عمیق» نیز جست‌وجو کرد. در رویکردهای سنتی، یادگیری به سطح حافظه محدود می‌ماند و پس از گذشت مدتی کوتاه فراموش می‌شود، اما در تدریس فعال، مفاهیم در لایه‌های عمیق‌تر ذهن تثبیت می‌شوند زیرا دانش‌آموز خود در تولید آن‌ها نقش داشته است. سند تحول بنیادین بر درونی‌سازی ارزش‌ها و اعتقادات تأکید دارد و این درونی‌سازی نه با تکرار طوطی‌وار، بلکه با تأمل، نقد و بررسی فعال ارزش‌ها در فضاهای گفت‌وگویی کلاس درس میسر می‌شود. معلمی که از تدریس فعال استفاده می‌کند، محیطی را فراهم می‌آورد که در آن دانش‌آموز بتواند پرسش‌های بنیادی خود را مطرح کند، به تضارب آرا بپردازد و در نهایت به بینشی عمیق برسد که پایه اعتقادی و اخلاقی او را تقویت کند. در نهایت، می‌توان گفت تدریس فعال نه یک روش جانبی، بلکه پیش‌شرط ضروری برای اجرای سند تحول بنیادین است. اگر نظام آموزشی به دنبال دستیابی به ساحت‌های شش‌گانه است، باید در «چگونگی انتقال مفاهیم» تجدیدنظر کند. تدریس فعال با پیوند زدن نظریه‌های ساختن‌گرایی، یادگیری اجتماعی و فراشناخت با نیازهای بومی و تربیتی سند تحول، مسیری را هموار می‌سازد که در آن دانش‌آموز از یک مصرف‌کننده منفعل محتوای آموزشی، به یک تولیدکننده دانش و یک شهروند مسئول در حیات طیبه تبدیل شود. تمام تلاش‌ها برای تحول در نظام آموزشی، بدون اصلاح روش‌های تدریس به سمت فعال‌سازی یادگیرنده، ابتر باقی خواهد ماند؛ چرا که قلب تحول، در کلاس درس و در تعامل پویا میان معلم و دانش‌آموز می‌تپد.

۳. بیان مسئله

نظام آموزش و پرورش ایران، به عنوان اصلی ترین نهاد متولی تربیت نسل آینده، در سال های اخیر با ابلاغ «سند تحول بنیادین»، نقشه راهی جامع برای عبور از رویکردهای سنتی و دستیابی به «حیات طیبه» ترسیم کرده است. با وجود این سند بالادستی دقیق و جامع، آنچه در صحنه عمل و در کف کلاس های درس مشاهده می شود، شکافی عمیق میان اهداف آرمانی سند و واقعیت های موجود در فرآیند یاددهی-یادگیری است. مسئله اصلی این است که با وجود تأکیدات مکرر بر تربیت تمام ساحتی، خلاقیت، تفکر انتقادی و مسئولیت پذیری، بخش قابل توجهی از کلاس های درس همچنان بر مدار «معلم محوری» و «حافظه محوری» می چرخند. معلم در این الگوهای سنتی، تنها انتقال دهنده دانش و دانش آموز، دریافت کننده غیرفعال اطلاعات است. این پارادایم، پیامدهای جبران ناپذیری بر کیفیت تربیت دانش آموزان دارد؛ از جمله فقدان انگیزه درونی برای یادگیری، عدم توانایی در به کارگیری دانش در مسائل واقعی زندگی و ضعف در مهارت های تفکر مرتبه عالی. سند تحول بنیادین، مدرسه را کانونی برای رشد همه جانبه می داند، اما زمانی که روش های تدریس تغییر نکنند، دانش آموز تنها به ذخیره سازی اطلاعات برای آزمون های کوتاه مدت می پردازد و ساحت های اعتقادی، علمی، هنری و زیستی او به درستی شکوفا نمی شوند. چالش دیگر، عدم شناخت کافی و مهارت لازم در به کارگیری راهبردهای تدریس فعال توسط معلمان است. تدریس فعال، دانش آموز را در موقعیت های چالش برانگیز قرار می دهد، او را به پرسشگری وامی دارد و فرصت مشارکت در تولید دانش را به او می دهد. اما در فقدان این رویکرد، دانش آموز در حاشیه فرآیند آموزش قرار می گیرد و به جای «یادگیری یادگیری»، صرفاً به «یادگیری محتوا» محدود می شود. این امر با روح حاکم بر سند تحول که بر تربیت انسان هایی مستقل، توانمند و مشارکت جو تأکید دارد، در تضاد است. مسئله پژوهش حاضر این است که چگونه می توان راهبردهای تدریس فعال را نه به عنوان روش های فانتزی و جانبی، بلکه به عنوان «استراتژی محوری» در کلاس درس مستقر کرد تا اهداف تربیتی سند تحول بنیادین محقق شود؟ آیا معلمان آمادگی لازم برای گذار از جایگاه سخنران به جایگاه تسهیل گر را دارند؟ و مهم تر از همه، موانع نهادی و ساختاری که مانع از اجرای تدریس فعال می شوند، کدامند؟ این پژوهش می کوشد با واکاوی این مسئله، پاسخ دهد که چگونه تدریس فعال می تواند پلی میان اهداف بلند سند تحول و واقعیت های جاری کلاس درس باشد و از تبدیل شدن این سند به یک متن تئوریک بدون اجرا جلوگیری کند. لزوم انجام این پژوهش از چند جنبه حیاتی است. نخست، تداوم روش های تدریس



سنتی در نظام آموزشی، نه تنها مانع از تحقق سند تحول بنیادین می‌شود، بلکه موجب اتلاف سرمایه‌های انسانی و مادی کشور در بلندمدت می‌گردد. نسلی که بدون مهارت حل مسئله و تفکر انتقادی تربیت شود، توانایی مواجهه با چالش‌های پیچیده دنیای امروز را نخواهد داشت. دوم، شناخت دقیق راهبردهای تدریس فعال و چگونگی پیوند آن‌ها با ساحت‌های شش‌گانه سند، به معلمان کمک می‌کند تا از «روزمِ رگی آموزشی» خارج شده و به «مربی‌گری» حرفه‌ای روی آورند. سوم، این پژوهش می‌تواند به مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی کمک کند تا با شناسایی الزامات اجرایی تدریس فعال، برنامه‌های ضمن خدمت و محتوای آموزشی خود را بازطراحی کنند. در نهایت، با توجه به گذشت چندین سال از ابلاغ سند تحول، آسیب‌شناسی چرایی عدم تحقق کامل اهداف آن در سطح کلاس درس، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا بتوان فاصله میان سیاست‌گذاری کلان و اجرای خرد را به حداقل رساند.

۴. اهداف پژوهش

- شناسایی راهبردهای تدریس فعال که بیشترین همسویی را با ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین دارند.
- تحلیل نقش و جایگاه معلم در فرآیند اجرای تدریس فعال به منظور تحقق اهداف عالی سند تحول بنیادین.
- بررسی تأثیر به‌کارگیری راهبردهای تدریس فعال بر ارتقای کیفیت یادگیری و دستیابی به اهداف تربیتی
- ارائه راهکارهای عملیاتی برای غلبه بر موانع نهادی و ساختاری در مسیر اجرای تدریس فعال در مدارس.

۵. سوالات پژوهش

- چه راهبردهای تدریس فعالی با اهداف تربیتی ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین همخوانی و انطباق بیشتری دارند؟
- نقش معلم در پارادایم تدریس فعال برای تحقق اهداف تربیتی سند تحول بنیادین چگونه تعریف می‌شود؟
- به‌کارگیری راهبردهای تدریس فعال چه تأثیری بر رشد ابعاد شناختی، عاطفی و مهارتی دانش‌آموزان در راستای سند تحول دارد؟
- مهم‌ترین چالش‌ها و موانع پیش‌روی معلمان برای جایگزینی روش‌های سنتی با راهبردهای تدریس فعال چیست؟

۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مروری است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در این راستا، با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای، منابع علمی معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات پژوهشی، اسناد بالادستی (به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و گزارش‌های تخصصی گردآوری گردید. فرآیند پژوهش با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و انگلیسی و استخراج مفاهیم کلیدی مرتبط با تدریس فعال و اهداف تربیتی صورت گرفت. سپس اطلاعات به‌دست‌آمده بر اساس اصول تحلیل محتوا، دسته‌بندی و تلخیص شدند تا ارتباط منطقی میان راهبردهای تدریس فعال و اهداف سند تحول تبیین گردد. در نهایت، یافته‌ها با استناد به مبانی نظری و شواهد موجود، مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار گرفتند تا پاسخی جامع به سوالات پژوهش ارائه شود.

۷. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش مبتنی بر تحلیل اسناد و متون تربیتی نشان می‌دهد که میان راهبردهای تدریس فعال و تحقق ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در سند تحول بنیادین، رابطه‌ای مستقیم، معنادار و هم‌افزا وجود دارد. تدریس فعال نه تنها یک روش انتقال دانش، بلکه بستر عملیاتی تربیت تمام‌ساحتی است. تحلیل‌های به دست آمده نشان می‌دهد که استفاده از روش‌هایی نظیر یادگیری مشارکتی، آموزش مبتنی بر مسئله و کلاس معکوس، موجب ارتقای ابعاد شناختی، عاطفی و اخلاقی دانش‌آموزان می‌شود.

جدول ۱: تطبیق پیامدهای تربیتی و راهبردهای تدریس فعال در راستای سند تحول

راهبرد تدریس فعال	ساحت تربیتی سند تحول	پیامد تربیتی / هدف تحقق یافته
آموزش مبتنی بر کاوشگری	علمی و فناوریانه	تقویت روحیه پرسشگری و تحلیل نقادانه مسائل
یادگیری مشارکتی	اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی	افزایش مسئولیت‌پذیری و اخلاق شهروندی
یادگیری مبتنی بر مسئله	اقتصادی و حرفه‌ای	بهبود مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسائل واقعی
کلاس معکوس	علمی و فناوریانه	تقویت خودتنظیمی و مدیریت فرایند یادگیری
ایفای نقش و نمایش خلاق	هنری و زیبایی‌شناختی	افزایش درک زیبایی‌شناختی و بیان خلاقانه
یادگیری تجربی گروهی	زیستی و بدنی	ارتقای سلامت روان و تعاملات مثبت اجتماعی



یافته‌ها بیانگر آن است که راهبرد «یادگیری مشارکتی»، با تأکید بر تعامل همسالان، بستری ایده‌آل برای ساحت اجتماعی و سیاسی سند تحول است. در این محیط، دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه در یک ساختار دموکراتیک، نظرات مخالف را بشنوند و به اجماع برسند. این دقیقاً همان هدفی است که سند تحول از آن به عنوان «تمرین مسئولیت‌پذیری اجتماعی» یاد می‌کند. همچنین، «یادگیری مبتنی بر مسئله» به عنوان راهبردی که دانش‌آموز را در برابر چالش‌های واقعی زندگی قرار می‌دهد، نقشی بی‌بدیل در تحقق ساحت اقتصادی و حرفه‌ای ایفا می‌کند. وقتی دانش‌آموز در کلاس درس، فرضیه‌ای را آزمایش می‌کند یا برای یک بحران زیست‌محیطی راه‌حل ارائه می‌دهد، در حال تمرین مهارت‌هایی است که در آینده شغلی او کاربرد مستقیم دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدارس موفق در اجرای سند تحول، مدرسی هستند که کلاس‌های خود را از حالت «گالری سخنرانی» به «آزمایشگاه فکر و عمل» تبدیل کرده‌اند. در بررسی ساحت اعتقادی و اخلاقی، راهبردهای تدریس فعال از طریق ایجاد فرصت‌های تفکر عمیق و بحث گروهی پیرامون ارزش‌ها، به دانش‌آموز کمک می‌کنند تا اعتقادات خود را نه از روی تقلید، بلکه بر پایه شناخت و آگاهی انتخاب کند. این رویکرد، با هدف «پرورش تفکر متکی بر عقلانیت» در سند تحول، هم‌خوانی کامل دارد. در نهایت، یافته‌ها تأکید می‌کنند که «تدریس فعال» در واقع پل ارتباطی میان «نظریه‌های کلان سند تحول» و «واقعیت‌های ملموس کلاس درس» است؛ بدون این پل، سند تحول تنها به سندی در قفسه‌های کتابخانه‌ها تبدیل خواهد شد.

نتیجه‌گیری

تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فراتر از یک تغییر ساختاری یا بخشنامه‌ای، نیازمند یک انقلاب در «فرهنگ تدریس» است. یافته‌های این پژوهش به وضوح نشان داد که راهبردهای تدریس فعال، موتور محرک تحقق ساحت‌های شش‌گانه هستند. تربیت دانش‌آموز خلاق، متفکر و مسئولیت‌پذیر، در محیطی که معلم تنها متکلم‌وحده است، غیرممکن است. معلم در تراز سند تحول، کسی است که با بهره‌گیری از تکنیک‌های تدریس فعال، از جایگاه «انتقال‌دهنده» به «تسهیل‌گر رشد» ارتقا می‌یابد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی برای تحقق این گذار، بر آموزش ضمن خدمت معلمان با تأکید بر روش‌های کاربستی تدریس فعال تمرکز کند. همچنین، بازطراحی فضای فیزیکی مدارس برای حمایت از کار گروهی و تغییر نظام ارزشیابی از «امتحان‌محوری» به «فرایندمحوری»، ضروری است. تدریس فعال، راهکاری است که مدرسه را به «حیات طیبه» تبدیل می‌کند؛ محیطی که در آن دانش‌آموز نه تنها دانش را



می‌آموزد، بلکه چگونه زیستن، چگونه فکر کردن و چگونه جامعه‌ای بهتر ساختن را تجربه می‌کند. سند تحول بنیادین برای جاری شدن در رگ‌های نظام آموزشی، نیازمندِ دستان توانمند معلمان در به‌کارگیری استراتژی‌های فعال یادگیری است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، ع. (۱۳۹۹). دیدگاه‌های نوین در روان‌شناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت.
- باندورا، آ. (۱۳۹۶). نظریه‌های یادگیری اجتماعی (ترجمه م. فرهاد). تهران: انتشارات رشد.
- پیاژه، ژ. (۱۳۹۵). ساختارگرایی در تعلیم و تربیت. (ترجمه ح. باقری). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ساعتچی، م. (۱۴۰۱). مدیریت آموزشی و رهبری مدارس. تهران: نشر ویرایش.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- شریعتمداری، ع. (۱۳۹۷). اصول و فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سیف، ع. ا. (۱۴۰۲). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- فتحی آذر، ا. (۱۳۹۸). روش‌ها و فنون تدریس. تهران: انتشارات سمت.
- قورچیان، ن. (۱۳۹۹). مدیریت راهبردی در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات فرادید.
- گاردنر، ه. (۱۳۹۵). هوش‌های چندگانه: نظریه در عمل. (ترجمه م. بیانی). تهران: انتشارات رشد.
- مهرمحمدی، م. (۱۴۰۰). برنامه‌های درسی نظرها، گرایش‌ها و چشم‌اندازها. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ویگوتسکی، ل. (۱۳۹۷). تفکر و زبان. (ترجمه ب. طباطبایی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Darling-Hammond, L. (2017). Teacher Education Around the World: What Can We Learn from International Practice?. European Journal of Teacher Education.
- Hattie, J. (2018). Visible Learning: A Synthesis of Over 800 Meta-Analyses Relating to Achievement. Routledge.
- Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2020). Learning Together and Alone: Cooperative, Competitive, and Individualistic Learning. Allyn and Bacon.



- Prince, M. (2004). Does Active Learning Work? A Review of the Research. Journal of Engineering Education.
- Vygotsky, L. S. (1978). Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes. Harvard University Press.

